



نیماقلی زادگان

کارگردان «سپندار: کوه مقدس»

## مستند قصه گو بسیار اندک است

**این پروژه از چه زمانی آغاز شد و همکاری شما با دیگر کارگردانان به چه صورت بود؟**

من پیش‌تر مستندی ساخته بودم که اکران شده بود و خانم مطلبی آن را دیده بودند، پیرو این امر وقتی قصد ساخت این فیلم را داشتند. با من تماس گرفتند و همکاری در این پروژه را پیشنهاد کردند. البته در آن زمان هنوز قصه‌های وجود نداشت و صرفاً یک پژوهش اولیه انجام شده بود اما پس از صحبت‌هایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم که می‌توان مستند جذابی از این موضوع ساخت، ما سال ۱۴۰۱ تحقیقات و هماهنگی با عوامل را آغاز کردیم اما آماده‌سازی مراحل پیش تولید و جمع‌آوری مترئال این روند به دلیل مشکلات فراوان، به‌ویژه در به‌دست‌آوردن تصاویر مینیاتورها، بسیار طولانی شد. بسیاری از مراکز اجازه فیلم‌برداری یا عکاسی از آثار ارزشمند خود را نمی‌دادند یا اگر اجازه می‌دادند، کیفیت آثار چندان مناسب نبود. سرانجام با همکاری موزه برلین و موزه شانگهای توانستیم تصاویر دیجیتال با کیفیت بالا دریافت کنیم. در حقیقت، ۹۰ درصد مینیاتورها موجود در فیلم از همان منابع و نسخه‌های دیجیتالی ارسال شده برای ماتامین شد که کمک بزرگی بود.

**فیلم‌برداری چه مدت طول کشید؟**

فیلم‌برداری بسیار پراکنده انجام شد و ما توقف‌های سه‌ماهه نیز گاه داشتیم که یکی از دلایلیش این بود که دسترسی به برخی افراد دشوار بود. بنابراین، همه چیز بستگی داشت به اینکه چه زمانی می‌توانستیم افراد را ببابیم، چه زمانی امکان حضورشان فراهم بود، یا چه زمانی اجازه فیلم‌برداری در مناطق مختلف به ما داده می‌شد. برخی مناطق فیلم‌برداری‌ها در دماوند، برخی در روستاها و حتی ارتفاعات بود. به همین دلیل، فیلم‌برداری منسجم نبود و مقطعی پیش می‌رفت. در نتیجه، با دو فیلم‌برداری کار کردیم. مدت زمان فیلم نیز در حال حاضر ۲۹ دقیقه است. البته نسخه اولیه طولانی‌تر بود اما در نهایت فیلم به ۲۹ دقیقه تقلیل یافت.

**در خصوص شکل‌گیری این بسته بگویید.**

این روندی مفصل بود. همه هنرمندان دوست دارند فیلمشان روی پرده سینما دیده شود و ما هم پس از موفقیت نسبی در جشنواره‌های خارجی به این نتیجه رسیدیم که آثار قابلیت اکران دارند. اما قالب مشخصی برای گردآوری فیلم‌ها وجود نداشت. در اخبار بخش‌کننده‌مان، دو فیلم موفق دیدیم که هر دو کارگردان زن داشتند. همین جرقه‌ای شد تا مجموعه‌ای با موضوعات مشترک شکل بگیرد، به شرط آن که نگاه زنانه پشت دوربین باشند.

با چند کارگردان مذاکره کردیم و فهرست اولیه آماده شد. تجربه همکاری با «هنر و تجربه» و پلتفرم «هاشور» هم داشتیم، بنابراین ایده را مطرح کردم و استقبال شد. تنها شرط این بود که فیلم‌ها کیفیت هنری و استاندارد ساخت داشته

## پرونده ویژه

باشند. پیشنهاد من دوره‌ای بودن این بسته‌ها بود، مثلاً هر دو سه ماه یک‌بار، با دویا سه فیلم برگزیده. در کمتر از یک ماه توافق حاصل شد که فیلم‌ها ابتدا محدود در هنر و تجربه اکران شوند و بعد با همکاری این گروه و «هاشور» آنلاین در دسترس قرار گیرند.

نام «زن، دوربین، نگاه» را آقای توحیدی انتخاب کردند تا بر نگاه زنانه پشت دوربین تأکید شود. هدف اصلی این بود که فیلم‌های مستند خوب روی پرده دیده شوند و از فضای صرفاً تلویزیونی خارج شوند. شخصاً این دومین بار بود که فیلمم را روی پرده می‌دیدم و می‌خواستم آثاری که مطرح‌اند و جوایزی گرفته‌اند، امکان نمایش محدود در سینما و سپس در پلتفرم را داشته باشند.

البته انتخاب فیلم ساده نبود؛ حجم بالای آثار نامرغوب کار را دشوار می‌کرد. این مشکل فقط در مستند نیست، در فیلم کوتاه هم وجود دارد. حتی «هنر و تجربه» و «هاشور» اذعان داشتند که با وجود علاقه به طرح، کیفیت پایین بسیاری از آثار مانع جدی است.

**دلیل این حجم از فیلم‌های نامرغوب چیست؟**

این موضوع دلایل متعددی دارد. نخست اینکه در سینمای ایران اساساً آرزوئی چندان جدی گرفته نمی‌شود. وقتی فیلم‌ها فاقد ژانر مشخص باشند، عملاً داستانی شکل نمی‌گیرد و فیلم برای مخاطب جذابیت لازم را ندارد. در واقع، بسیاری از مستندها بیشتر مجموعه‌ای از تصاویر زیبا و تکنیکی‌اند، اما فاقد قصه‌ای هستند که تماشاگر را با خود همراه کنند.

دلیل دوم به فرآیند تولید برمی‌گردد. بخش بزرگی از مستندها عملاً توسط تدوینگران ساخته می‌شوند، نه کارگردان‌ها. تجربه نشان داده که نزدیک به ۹۵ درصد مستندهای ایران بدون فیلم‌نامه تولید می‌شوند. کارگردان صرفاً حجم عظیمی از راش‌ها را به تدوینگر می‌دهد و تدوینگر با کنار هم چیدن آن‌ها، روایت را می‌سازد. این روند باعث می‌شود فیلم‌ها بیشتر بر اساس مهارت تدوین جلو بروند تا نگاه کارگردانی، و همین امر باعث ضعف در انسجام داستانی آن‌ها می‌شود.

مسئله سوم به محتوای آثار مربوط است. بسیاری از مستندها آن قدر به موضوعات تلخ و سنگین می‌پردازند که تماشاگر پس از دیدنشان حال خوشی ندارد. منظور این نیست که همه مستندها باید شاد یا سرگرم‌کننده باشند، اما انتظار طبیعی مخاطب این است که پس از دیدن یک فیلم، تجربه‌های تازه و حال بهتری پیدا کند. در عمل، در حدود ۹۰ درصد آثاری که برای انتخاب بسته‌ها تماشا کردیم، فضای سنگینی داشتند و مخاطب را دچار افسردگی می‌کردند. به همین دلیل است که گفته می‌شود اگر موضوع «قهر مقدس» را از مستندهای ایرانی حذف کنیم، شاید تعداد زیادی از این آثار دیگر ساخته نشوند. شخصیت‌های اصلی چنین فیلم‌هایی معمولاً افراد فقیر، بیمار یا شکست‌خورده‌اند و روایت هم بر محور همین شرایط سخت شکل می‌گیرد. طبیعی است که تماشاگر عام تمایلی به دیدن مستندی نداشته باشد که جز تکرار تلخی‌ها چیزی به او نمی‌دهد.

مشکل چهارم، نبود فیلم‌نامه به معنای واقعی کلمه است. حتی در مواردی که چیزی شبیه فیلم‌نامه وجود دارد، بیشتر شبیه طرحی برای کنار هم گذاشتن پلان‌هاست تا روایت قصه‌ای کامل. همین باعث شده مستند قصه‌گو در ایران بسیار اندک



اثر را با کارگردانی مشترک تولید کردیم. حتماً کار دوم خود را نیز در همین زمینه خواهیم ساخت که با آیین‌های باستانی و گنجینه‌های مقدسی همچون همین کوه دماوند که در این فیلم به آن پرداخته‌ایم مرتبط خواهد بود.

باشد. در حالی که در بسیاری از کشورها، مستند نه تنها بر پایه داستان بلکه با تکنیک‌های روایی قوی ساخته می‌شود تا بتواند مخاطب را تا پایان درگیر نگه دارد.

**سخن‌پایانی**

پس از ماجراهایی که در یکی دو سال اخیر رخ داده، شاهد افزایش مخالفت‌ها و حتی نوعی دشمنی با شاهنامه هستیم. علت این حجم از مخالفت برای من روشن نیست. بسیاری به تمسخر یا شوخی با شاهنامه می‌پردازند، آن را در فضای آنلاین دستمایه هجو قرار می‌دهند و متأسفانه هرکسی که به این اثر می‌تازد، بیشتر دیده می‌شود. به گونه‌ای که گاهی متخصصان و هنرمندان برجسته مجبور می‌شوند در پاسخ به افراد کم‌اهمیت و سطحی موضع بگیرند. مستند ما اما درباره مردم عادی است؛ کسانی که در کنار دماوند زندگی می‌کنند و در ناخودآگاهشان اسطوره‌ها چنان حضوری دارند که گویا واقعاً زمانی در تاریخ زیسته‌اند در حالیکه ما می‌دانیم شاهنامه روایت اسطوره‌هاست، نه تاریخ. اما این باور در میان آنان همچنان پررنگ است. با این حال، در بسیاری از مناطق، به‌جز داستان رستم و سهراب، دیگر بخش‌های شاهنامه در خاطر مردم کمرنگ شده است. خوشبختانه، اخیراً اقدامات خوبی برای زنده نگه داشتن این اثر آغاز شده و هم‌زمانی انتشار مستند ما، با هجوهای زشتی که درباره شاهنامه منتشر شد سبب می‌شود امیدوار باشیم که تلاش‌های ما و دیگران بتواند در برابر این جریان تخریبی، جایگاه واقعی شاهنامه را دوباره یادآوری کند.



سمیه مطلبی

کارگردان «سپندار: کوه مقدس»

## دغدغه در مورد این موضوع به عرق ملی باز می‌گردد

**این اثر چندمین مستند شماست؟**

این اولین کار من در حوزه مستند است. من در اصل کارگردان تئاتر هستم و به فیلم‌سازی مستند نیز علاقه‌مندم. پیش‌تر کارهای صحنه‌ای داشتم و اجراهایی انجام داده بودم، اما این

**دغدغه و اهمیتی که به این موضوع می‌دهید از کجا می‌آید؟**

من فکر می‌کنم هر ایرانی دوست دارد در هر حوزه‌ای که فعالیت دارد حرکتی در راستای سرزمینش انجام دهد. این امر به نوعی به عرق ملی ما بازمی‌گردد. من این موضوع را در جریان مصاحبه‌ها و عکاسی‌هایی که برای مستند انجام دادیم به‌خوبی مشاهده کردم. در چهره بسیاری از افراد عادی می‌دیدم که تنها کاری که می‌توانستند انجام دهند، کمک به ساخت این مستند بود و جملاتی که بارها تکرار می‌کردند این بود: «چون این کار را برای دماوند انجام می‌دهید، ما با جان و دل همکاری می‌کنیم.» این همان عرق ملی و وطن‌پرستی است که ما باید پیرو آن، قدر گنجینه‌هایمان را بدانیم. شاید این روزها کمی از آیین‌های شاهنامه و آیین‌های کهن دور شده باشیم، اما من فکر می‌کنم لازم است برای نسل جدید تکرار شوند. ما گنجینه‌های ارزشمندی داریم و آیین‌های زیبایی در ایران باستان وجود داشته که متأسفانه به‌علت برخی تعصبات تاریخی از آنها فاصله گرفته‌ایم و دیگر اجرا نمی‌شوند. اما بهتر است آنها را بازسازی کنیم؛ هم برای کسانی که اطلاعات کمتری دارند و هم برای نسل جدیدی که هویت خود را بیشتر در داستان‌های امروز جست‌وجوی کند. به‌ویژه در شرایط نظم نوین جهانی، این امر ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

**با توجه به اینکه این نخستین مستند شماست، اکران آن چه اهمیتی در مسیر فیلم‌سازی شما دارد؟**

مسئله اتفاق بسیار خوب و جذابی بود. من فکر می‌کنم این موضوع آرزوی هر فیلم‌سازی است که اثرش به این شکل دیده شود، چرا که انگیزه‌ای برای ساخت فیلم‌های بعدی ایجاد می‌کند. بسیاری از فیلم‌سازان حتی در خارج از کشور جوایزی کسب کرده یا نامزد جوایز بین‌المللی شده‌اند، اما در ایران چندان شناخته‌شده نیستند، زیرا تا زمانی که اکران داخلی صورت نگیرد، مردم آنها را نمی‌بینند و نمی‌شناسند. به همین دلیل، برای من جذابیت زیادی داشت که مستندی که ساخته‌ام در خاک ایران و برای مردم ایران اکران شود. جتی همین مسئله انگیزه‌ای شد تا پژوهش مستند بعدی را آغاز کنم.

